

Identifying the Quranic Interpretation of Contemporary Sunni Sufficiency Scholars on the Status and Rulings of Women

Samad Mo'meni¹

Mohammad Mahdi Taqhdisi²

Seyyedeh Fatemeh Hosseini Mirsafi³

1. Doctoral student of Quran and Hadith Sciences, Imam Khomeini (RA) Shahrari Memorial Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran. sm9128488031@chmail.ir

2. Assistant Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Yadgar Imam Khomeini (RA) Shahrari Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Responsible author)
mm.taqhdisi@gmail.com

3. Assistant Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Yadgar Imam Khomeini (RA) Shahrari Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran. mirsafi@yahoo.com

DOI: 10.22034/iscw.2023.713419

Orgina Research

Received:

2023-01-14

Accepted:

2023-07-28

Keywords:

Quran
Sufficiency,
Quranists,
Ahl al-Quran,
Interpretation

Abstract: Critical reflections by some hadith scholars have led to a reconsideration of the authenticity of tradition and the validity of hadith. Those who belong to the extreme form of the Quran-sufficiency movement deny any authenticity to tradition and validity to hadith. On this basis, hadith no longer has a place and role in the interpretation of the Holy Quran and the extraction of Islamic rulings, and it loses its competence as a reference and source alongside the Quran. From their point of view, "the explanation of the Quran is within the Quran" and "the Quran is a self-explanatory book." Certainly, with such an approach, the position of women and their rulings will be different from the prevailing views and approaches. The extremist Quranic movement (Quranists/ Ahl al-Quran), based on the non-authenticity, non-revelatory nature, divisive nature of tradition and hadith, and principles such as focusing on the lexical meaning, has outlined a specific legal and religious system regarding women and their status that is highly compatible with the characteristics of the modern world and a female system that is very similar to feminism.

شناسایی خوانش قرآن بسندگان معاصر اهل سنت درباره جایگاه و احکام

زنان

سیده فاطمه حسینی میر صفی^۳

محمد مهدی تقدیسی^۲

صمد مومنی^۱

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

sm9128488031@chmail.ir

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده

مسئول) mm.taghdisi@gmail.com

۳. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران،

ایران. mirsafy@yahoo.com

DOI: 10.22034/iscw.2023.713419

چکیده: تاملات انتقادی برخی از اهل حدیث، منجر به تجدید نظر در حجیت سنت و اعتبار حدیث گردید. ایشان که به جریان قرآن بسندگان تعلق دارند در شکل افراطی اش، هرگونه حجیت برای سنت و اعتبار برای حدیث را سلب کردند. براین مبنا دیگر حدیث جایگاه و نقشی در تفسیر قرآن کریم و استخراج احکام شرعی نداشته و صلاحیت مرجعیت و منبعیت در طول قرآن را از دست می دهد. از دیدگاه ایشان «بیان القرآن فی داخل القرآن» و «القرآن کتاب مبین فی ذاته» است. قطعا با چنین رویکردی جایگاه زنان و احکام ایشان غیر از دیدگاه ها و رویکردهای رایج می گردد. جریان قرآن گرایان افراطی (قرآنیون / اهل القرآن) بر اساس عدم حجیت، و حیانی نبودن، تفرقه آفرین بودن سنت و حدیث و اصولی چون تمرکز بر معنای لغت - و.... نظام فقهی و شرعی خاصی نسبت به زن و جایگاه او ترسیم کرده است که بسیار منطبق بر خصوصیات دنیای مدرن و نظام زنانه ای است که بسیار شبیه فمینیسم می نماید.

صص:

۲۰۳-۲۳۰

نوع مقاله:

علمی پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۲/۰۲/۱۹

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۲/۰۵/۲۲

کلید واژه ها:

قرآن بسندگی،

قرآنیون،

اهل القرآن،

خوانش.

مقدمه

قرآن بسندگی جریانی تاریخی است که با شعار «حسبنا کتاب الله» در کنار بستر رسول خدا شروع و با منع تدوین حدیث در زمان خلفای بعد از ایشان ادامه یافت بگونه ای که تا یک قرن نقل و تدوین حدیث ممنوع و برای مرتکبان مجازات تعیین شد.

منع حدیث که از دوره خلافت خلیفه اول و خلیفه دوم که با ادعای جلوگیری از آمیختن حدیث با قرآن، پیشگیری از اختلاف مسلمانان، ترس از سرگرم شدن مردم به چیزی غیر از قرآن و عدم آشنایی راویان حدیث با کتابت آغاز شده بود نتوانست با شدتی که بوجود آمده بود، ادامه یابد و لذا یکصد سال بعد توسط عمر بن عبدالعزیز این ممنوعیت لغو گردید.

عالمان شیعه، انگیزه منع کتابت حدیث را جلوگیری از نشر فضایل امام علی (ع) و تلاش در جهت تثبیت حاکمیت خلفا می دانند. به باور شیعیان منع کتابت حدیث موجب جعل حدیث، نابودی نخستین متون حدیثی، پیدایش مذاهب مختلف و تغییر سنت پیامبر اکرم ﷺ شده است.

با لغو ممنوعیت کتابت حدیث، جریان افراط در قرآن بسندگی حرکت معکوس پیدا کرد و برخی به نام اهل حدیث چنان در حدیث گرایی افراط کردند که بکلی قرآن را به بهانه اینکه جز راسخون در علم آنها را نمی فهمند هرگونه تلاشی برای فهم آن را از فرآیند معرفتی خود حذف کردند. این افراط گرایی در ابتدای قرن سیزده هجری با واکنشی شدید از شبه قاره و توسط سید احمد خان هندی روبرو شد. وی با تاثیر پذیرفتن از تمدن غرب و حاکمیت علم تجربه گرا به اصلاح گری پرداخته و بهره برداری از حدیث را با شروط متعددی چنان سخت کرد که استفاده از آن تقریباً محال بنظر می رسید. او به نفع علوم تجربی و دنیای مدرن آنچه در قرآن با این شرایط حاکم منافات داشت را منکر، یا آنها را توجیه و تاویل کرد. سید احمد خان امور ماوراء طبیعی چون وحی، فرشته و جن و امور خارق العاده چون معجزات را منکر و آیات قرآن کریم را تاویل مادی کرد. بدنبال این جریان و با فاصله کمی در جهان عرب بخصوص در مصر جریان قرآن بسندگی که حالا به قرآنیون مشهور شده بود از دل گروه سلفی ها برآمد. شاخه ای از ایشان با شعار بازگشت به قرآن چنان افراط گونه حجیت سنت و اعتبار حدیث را منکر شدند که برای سنت هیچ شان و جایگاه و نقشی قائل نیستند. دلیل ایشان وحیانی نبودن سنت و حدیث است. ایشان بر این باورند که فهم قرآن تنها توسط خود قرآن میسر است و سنت و حدیث قابلیت تفسیر قرآن را ندارند.

اهداف و پرسش

هدف اصلی این پژوهش، شناسایی آراء قرآنیون / اهل القرآن معاصر در خصوص زن و قرآن می باشد. بنا بر این پرسش اصلی این است که مبانی و آراء این جریان در خصوص زن و قرآن چیست؟

پیشینه بحث

نقد و بررسی رویکرد انسان شناسی محمد شحرور در باب عدالت جنسیتی. نویسندگان این مقاله خام زهرا محمدی و محمد عیسی محمدی هستند. ایشان می نویسند که شحرور، ضمن اذعان به عادلانه بودن نظام حقوق زن در اسلام در مقایسه با دوران جاهلیت، با اعتقاد به عصری بودن نظام حقوقی زن و منحصر کردن آن به وضعیت خاص زنان در جزیره العرب، کارآمدیش در زمان حاضر را انکار کرده و به تبیین جدیدی از نظام حقوقی زن در اسلام پرداخته است.

شبهاتی در موضوع قرآن و زن نقدی بر دیدگاه های محمد شحرور. سید مصطفی احمد زاده نویسنده این مقاله می نویسد که دانشمندان مسلمان از دیدگاه احکام فقهی به زن نگرسته اند و این احکام را برای زن منصفانه قلمداد کرده اند. حال آن که دشمنان اسلام، قوانین اسلامی را باعث ایجاد مشکلات زنان مسلمان دانسته اند و برخی معضلات امروز جامعه اسلامی در باب زن را بی ارتباط با قوانین اسلامی می دانند. از دیدگاه دکتر شحرور مسائل دست و پاگیری که امروزه در جوامع اسلامی باعث بروز مشکلاتی در مسائل مربوط به زنان شده است، به دلیل خطاهای اساسی و مهمی است که در طول تاریخ اسلام، دانشمندان و متفکران مسلمان ناخواسته و ناآگاهانه مرتکب شده اند. که عبارتند از:

الف) تفاوت ندانستن بین آیات (ام الكتاب) و آیات (حدود) و آیات (تعلیمات) و احادیث (حدود) و احادیث (تعلیمات).

ب) اعتقاد به اینکه حدّ و مرز همه قوانین مربوط به زن در دوره محدود بعثت تا رحلت پیامبر (ص) توسط ایشان به حدّ تمام و کمال ارائه شده است. با این توضیح که اگر در زمان پیامبر (ص)، زن منصب سیاسی و قضاوت نداشته است، به دلیل ممنوعیت آن بوده است. از این رو در عصر حاضر نیز مناصب سیاسی و قضاوت برای زن ممنوع شمرده می شود.

مفاهیم

قرآن بسندگی

در آثار اسلامی کهن مخالفت‌هایی با نقل و ضبط حدیث و کاربرد آن به عنوان منبع استنباط احکام شرعی گزارش شده است. در آن دوران، دو جریان عمده مخالف حدیث قابل شناسایی است: نخست، مخالفان با حدیث به عنوان حجت شرعی در کنار قرآن؛ و دوم، مخالفان با برخی احادیث که با قرآن یا دیگر احادیث تعارض دارند یا مضمون آنها باعث وهن دین تلقی می‌شود. در اینکه این مخالفت‌ها از سوی کدام یک از فرقه‌های مسلمانان (معتزله یا خوارج) طرح شده، اختلاف است؛ اما شواهدی در تایید انتساب این اقوال به خوارج در اختیار می‌باشد. (آقایی، ۱۳۸۹ ش، ص ۹۳-۱۱۴).

ایشان اعتقاد داشتند که کتاب خدا برای ما کفایت است و حدیث نه تنها شانیت تفسیر و تبیین قرآن را ندارد بلکه در استخراج احکام شرعی و نیز عقادات هم حجت شرعی نیست.

قرآن بسندگی، به مثابه جریانی تفسیری، که در یکی دو قرن اخیر در برخی رویکردهای تفسیری شبه قاره هند، کشورهای عربی و ایران نمود یافته، ریشه‌ها و پیشینه‌های قابل توجهی دارد که تبارشناسی فکری و مذهبی آن را میسر می‌سازد. به گواهی برخی از اخبار و روایات مشهور تاریخی، سه قرن نخستین هجری، به نوعی شاهد بروز رگه‌هایی از این جریان بوده است؛ بر این اساس پیشینه این جریان تا عصر حیات رسول خدا □ قابل جست‌وجو است. در مقابل قرآن بسندگی حدیث بسندگی است که مفهومی در مقابل قرآن بسندگی دارد. ایشان در حقیقت به اسلامی منهای حدیث می‌اندیشند.

قرآنیون

قرآنیون نخبگانی تجدید نظرطلب و متعلق به یکی از لایه‌های فکری و اجتماعی فعال در سیرت‌تحولات اجتماعی هستند. تجدید نظرطلبان اگرچه در ابتدا در زمینه سازی یا ایجاد تحولات اجتماعی حضور دارند، اما به تدریج و درگذر زمان نسبت به ایدئولوژی، مبانی فکری و ارزش‌های اولیه خود تردید کرده و در نهایت از آنها عدول می‌کنند و حتی ممکن است جریانات مخالف با آن را ایجاد یا همراهی کنند. (شرابی، ۱۹۲۷ م، ص ۱۶-۱۷) این جریان از درون اهل سنت برخاسته و هویت ایشان را به چالش کشیده است. (بابایی، مکاتب تفسیری، ج ۲، ص ۱۲۷)

قرآنیون در اصل ادامه و جلوه افراطی اندیشه نص گرا در میان اهل حدیث است. (خاکپور، ۱۳۹۶ ش) در واقع قرآنیون از درون اهل حدیث برخاسته - گرچه ظاهراً مخالفان

سرسخت اهل حدیث بودند- و عملاً به همان اندیشه ای پایبند بودند که اهل حدیث بر آن تأکید داشتند و آن انکار مرجعیت مدارس فقهی و عالمان سرشناس آنها و بازگشت به اسلام اصیل بود. (آقایی، ۱۳۸۹، ش ۳، ص ۹۳)

ایشان نخست به حجیت حدیث اعتقاد داشتند، اما در مواجهه با احادیثی که فهم آنها مشکل می نمود، در اندیشه جزمی اهل حدیث تردید کردند. پس می توان قرآنیون را محصول تناقض موجود میان اندیشه های اهل حدیث به شمار آورد. (همان) تحولات اجتماعی قرون ۱۹ و ۲۰ اروپا و تأثیر غیر قابل باور آن بر تمامی جوامع و ملل، بخصوص کشورهای اسلامی موهم تقابل سنت و مدرنیته شد. در مواجهه با این تقابل، گروهی بکلی آن را رد کرده و برسنت اصرار ورزیدند، گروه دوم درست آن را پذیرفته و سنت را نفی کردند اما گروه سوم تلاش کردند با نگاه اصلاحی، نقاط حادثه خیز سنت را اصلاح کنند. این اصلاح گاه با جراحی شدید و گاهی بخشی از آن نفی و رد می شد. این جریان در قرن سیزدهم به عنوان جریانی سازمان یافته در شبه قاره هند، مصر، سوریه، لیبی، سودان و سایر سرزمینهای اسلامی سر برآورد. در حقیقت ایشان به اسلام منهای حدیث تأکید دارند.

پژوهشگران درباره سرچشمه این اندیشه و منطقه آغاز آن همداستان نیستند. گروهی برآنند که این جریان در هند توسط سیداحمد خان هندی پدید آمد و از آنجا به مصر و سپس دیگر سرزمین های اسلامی سرایت کرد و دربرابر، کسانی مصر را زادگاه این اندیشه و برخی عراق را آشخور آن معرفی می کنند. برخی از عالمان اهل سنت سرچشمه جریان را شبهات خوارج (یا به پندار آنها شیعه) و گروهی دیگر شبهات خاور شناسان می دانند. (روشن ضمیر، ۱۳۹۰، ش)

هم زمان با شروع این جریان از شبه قاره توسط سیداحمدخان هندی ادبیات مخالفت و نقد این جریان توسط سیدجمال الدین اسدآبادی با نگارش رساله نیچریه (ظفرالله رندها، ۱۳۸۶، ش) شروع و نگارش کتاب ها و مقالات فراوانی در دفاع از حجیت سنت و حدیث در آنجا (همو؛ اخوان مقدم، فصلنامه سفینه، شماره ۵۷) و کشورهای عربی (الهی بخش، ۱۴۲۱، ق) ادامه یافت و تاکنون نیز ادامه دارد.

اهل القرآن

اهل القرآن به شاخه یا گروهی از قرآنیون اهل سنت معاصر گفته می شود که به جریان قرآن بسندگی تعلق دارند. احمد صبحی منصور بنیانگذار و از اعضای جنبش فکری - قرآنی، خود را از قرآنیان، جدا دانسته و بلکه فقط اهل القرآن، معرفی می کند و می گوید: «عموماً ... اؤکد: أنه لاصله لنا

على الاطلاق بهؤلاء الذين يطلقون على أنفسهم (قرآنيون) في الجزائر أو غيرها، و لانعرف أحدا منهم لنا منهجنا المنشور هنا في (دستور اهل القرآن) وهناك طوائف شتى تطلق على أنفسهم (قرآنيون) ونحن (اهل القرآن) لنا موقعنا هذا و لنا مركزنا (المركز العالمي للقرآن الكريم) في أمريكا، وندعو الى الاصلاح السلمى و نقف مع المستضعفين فى الأرض و ضد البغاه و ضد الطغاه و هذا هو جهادنا السلمى فى سبيل رب العزه جل و علا» در كل تأكيد مى كنم كه مطلقاً ما هيچ ربطى به آن عده افراد نداريم كه در کشور الجزایر و غيره نام خود را قرآنيون گذاشته اند و ما هيچ كدام از ایشان را نمى شناسيم. نگرش و عقايد ما همين جا در سايت مان (در بخش قانون اهل القرآن) ثبت است. گروه هاى مختلفى هستند كه نام قرآنيون بر خود گذاشته اند اما ما اهل القرآن هستيم. سايت و مركز جهانى قرآن كريم، مختص به ما در أمريكا است، كه به اصلاح (عقايد دينى) به صورت مسالمت آميز دعوت مى كند. ما در کنار تمام مستضعفين جهان هستيم. دشمن تمام طغيان گران مى باشيم و اين همان جهاد مسالمت آميز ما در راه پروردگار بزرگ و بلند مرتبه مى باشد.^۱

افراد زيادى جمعيت اهل القرآن فعاليت مى كنند و آثار علمى آنها در سايت اهل القرآن انعكاس دارد اما اسامى برخى از مهمترين آنها به قرار زير است:

۱. دكتور احمد صبحى منصور (بنیانگذار و عضو اهل القرآن)
۲. دكتور سامر اسلامبولى
۳. محمد هيثم اسلامبولى
۴. شريف هادى
۵. انيس محمد صالح
۶. احمد البطاوى بطاوى
۷. ابراهيم دادى
۸. يحيى فوزى
۹. سامح عسكر
۱۰. ابراهيم عيسى
۱۱. عثمان محمد على
۱۲. شريف منصور

۱۳. حسام منصور

۱۴. محمد منصور

۱۵. الامیر منصور

۱۶. خالد منتصر

و دیگر نویسندگان و اعضای این جمعیت که بشکل فعال در این سایت مقالات متعددی در تمام حوزه های دینی و قرآن بارگزاری می کنند. مبنای مشترک همه این افراد بی اعتباری حدیث است. پر واضح است که نقطه مشترک تمامی قرآن بسندگان در تمام شاخه ها همان اسلام منهای حدیث است.

روش پژوهش

روش تحقیق در این بررسی، پژوهش اسنادی (از نوع کتابخانه ای)، به صورت توصیفی - تحلیلی و با شناسایی و نقد مبانی و آراء ایشان در حوزه پیش گفته است.

یافته های پژوهش

یافته های پژوهش درباره زن و قرآن و خوانش های معاصر قرآنیون / اهل القرآن

دکتر محمد شحرور (۱۹۳۸م - ۲۰۱۹م) از قرآن پژوهان نواندیش سوریه بر اساس نظریات جدید علمی، به مباحث قرآن شناسی توجه کرد. بیشتر نظریات قرآنی وی بر پایه داده های جدید علوم انسانی و علوم تجربی استوار است. وی با دیدگاه های جدید علمی، کوشید تا نگاهی از زن در قرآن را ترسیم کند که مقبول جهان جدید نیز واقع گردد.

در ادبیات انسان شناسی شحرور، زن و مرد از ماهیت وجودی یکسانی برخوردار بوده، به طوری که در حیطه عدالت جنسیتی و شاخصه های آن این نوع نگاه به خوبی به چشم می خورد. زن و مرد از خلقت یکسانی برخوردار بوده، به نحوی که ماده اولیه آن دو یکسان است؛ اما در مرحله بعد، کثرت در قالب زن و مرد راه می یابد. این دو در برخورداری از فضایل یا کسب آنها نیز یکسان بوده و در برخورداری از روح که جوهره اصلی انسانیت را تشکیل می دهد، مشترکند. هر دو جنس دارای جایگاه خلافت الهی و برخوردار از کرامت الهی بوده و غایت مندی و فرجام باوری در مورد هر دو تحقق می یابد. کرامت و برتری زن و مرد فقط در تقوا و عمل صالح و کسب فضائل ارزشمند بوده و جنسیت هیچ تاثیری در این کرامت ندارد. در ادبیات شحرور، آنچه وجه تمایز و اختلاف زن و مرد به حساب می آید

نه جنسیت آن دو؛ بلکه برخی تفاوت‌های فیزیولوژیکی و طبیعی است. طبیعتی که خداوند در راستای اهداف خلقت و حفظ نوع مقرر کرده است. طبیعتی که زن را قابل باروری و مرد را قابل بارور ساختن کرده است؛ اما این نوع تفاوت سبب نمیشود زن در حیطة حقوق متفاوت از مرد باشد؛ بلکه زن و مرد هر دو قابلیت برخوردارى از حقوق و وظایف مساوی را دارند. (محمدی، ۱۳۹۹ ش، ص ۳۴۷-۳۴۸)

شحرور کوشید تا با رویکردی زبانشناسانه به مباحث الفاظ قرآنی توجه کند. وی با تکنیک‌های زبانشناسی متن را تحلیل می‌کند و می‌گوید زبان قرآن زبان گفتاری است. وی تفسیر قرآن را بر عهده افرادی می‌داند که به دانش زبانشناسی به خوبی واقفند. او کتاب مستقلی را با عنوان «فقه المرأه» نوشته و این رویکرد زبانشناسانه را در احکام زنان مورد بررسی قرار داده است. شحرور همچنین در کتاب «الکتاب و القرآن» بر اساس معنای لغوی به تفاسیر جدیدی از قرآن در خصوص زنان دست زده است. وی در این کتاب کوشیده است تا مشکل جمود فکری را که چندین قرن بر فکر اسلامی سیطره دارد، از طریق تفسیر لغوی و اعتنا نکردن به سنت و اقوال مفسران حل کند. (شحرور، ۱۹۹۰ م)

شحرور با همین رویکردهای زبانشناسانه است که برخی از مبانی حقوق زنان در اسلام را به چالش کشیده و جنبه‌های نابرابری زن و مرد در بسیاری موارد از جمله شهادت، دیه، قضاوت و غیره از طریق زبانشناسی را قابل حل می‌داند. شحرور به زبان مذکر قرآن اشاره می‌کند و می‌گوید: «زبان عربی زبانی است که گرایش غالب آن مذکر است و هر واژه مذکر یک مفهوم مؤنث را در دل خود دارد. اگر با این شیوه به آیات قرآن نگاه کنیم موارد نابرابری قابل رفع است». وی به عنوان نمونه، مثالی از قرآن را ذکر می‌کند. آیه «إِذْ عَزَّمُ الطَّلَاقِ» یعنی وقتی هر یک از دو طرف عزم طلاق کردند. به این معنا که هر دو حق دارند نسبت به طلاق خودشان اقدام کنند؛ نه اینکه تنها مردان حق و اذن طلاق داشته باشند. با این رویکرد زبان‌شناسانه است که شحرور به نتایج جدیدی در احکام فقهی نائل آمده است.

شحرور معتقد است در طول تاریخ دریافت‌های غلط بر اساس مبانی غلط موجب بی‌عدالتی درباره زنان شده است. وی در کتاب الکتاب و القرآن؛ قرائه معاصره از صفحه ۵۹۲ تا ۷۲۸ به نمونه‌هایی از احکام فقهی درباره زن پرداخته و هریک را به تفصیل بیان می‌دارد.

اعتقاد به اینکه حد و مرز همه قوانین مربوط به زن در دوره محدود بعثت تا رحلت رسول خدا □ توسط ایشان به حد تمام و کمال ارائه شده است. این در حالی است که اگر در زمان رسول خدا (ص) زن منصب سیاسی و قضاوت نداشته، به دلیل ممنوعیت آن بوده است. از این رو در عصر حاضر نیز مناصب سیاسی و قضاوت برای زن ممنوع شمرده می‌شود. (شحرور، ۱۹۹۰ م، ص ۶۲۳) محمد

شحرور، قوانینی که در زمان پیامبر، در خصوص زنان وضع شده است را ناشی از نظام و ساختار آن زمان می‌داند و تعمیم ناروای آن در زمان معاصر را بر نمی‌تابد. (همان، ۶۲۵)

شحرور احکامی چون ارث، نکاح، طلاق، تعدد زوجات، روابط میان زن و مرد، مهریه، لباس زن و مرد و سلوک اجتماعی، حق اشتغال، حق فعالیت سایسی و حجاب آراء خویش را بیان کرده است. (شحرور، ۱۹۹۰م، الکتاب والقرآن، ص ۶۲۳؛ شحرور، ۲۰۰۰م، فقه المراءه، سرتاسر)

ارث

بحث از ارث، یکی از مواردی است که شحرور به آن پرداخته و به نتایجی نائل آمده است. وی می‌گوید در مسأله ارث، محاسبات قدما بر اساس حساب‌های جبری بود. این محاسبات هنگامی که اندازه خانواده بزرگ می‌شود دیگر درست عمل نمی‌کند. شحرور از قوانین جدید ریاضی مدد می‌گیرد و بحث ارث را به نحو امروزی مورد واکاوی قرار می‌دهد. وی با تئوری مجموعه‌ها، محاسبات ارث را انجام می‌دهد. از همین روست که به نتایج کاملاً متفاوتی دست می‌یابد. وی معتقد است که سهم زنان دو سوم و سهم مردان یک سوم است. شحرور با پیش کشیدن مباحث زبانشناسی و همچنین استناد به قواعد جدید ریاضی، به این نتیجه نائل آمده است.

وی به آیاتی اشاره می‌کند که مستمسکی در بحث ارث قرار گرفته است. به عنوان نمونه، این که خداوند می‌گوید: «يُوصِيكُمُ اللَّهُ لِلذَّكَرِ مِثْلَ حَظِّ الْأُنثِيَّيْنَ» به معنی این است که خداوند برای ارث زن و مرد حداقل و حداکثری را بیان کرده است. یعنی کمترین حد ارث، ارث زن است و بیشترین حد ارث، ارث مرد. به این معنی که درصد ارث به نسبت فرهنگ جوامع می‌تواند در این اقل و اکثر متغیر باشد. یعنی اگر در جامعه‌ای مثل اسلام که وظیفه اقتصادی خانواده بر دوش مرد است، زن نصف مرد ارث می‌برد و اگر در جامعه‌ای زن و مرد با هم وظیفه اقتصادی را داشته باشند، ارث بینشان مساوی تقسیم می‌شود و این خارج از حدود الهی نیست بلکه داخل در حدود الهی خواهد بود به عبارت دیگر، خداوند برای ارث دو حد و مرز قرار داده است: حداقل و حداکثر؛ نه آن که یک حد لایتغیر گذاشته باشد. لذا فرمود: «وَمَنْ يُعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَّعِدْ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا». (نساء - ۱۴) به گفته محمد شحرور، لازمه تعیین این دو حد آن است که مسلمانان آزادند طبق شرایط خاص هر خانواده و جامعه میزان ارث زن و مرد را مشخص کنند. یعنی اگر در خانواده و جامعه‌ای تمام مسئولیت اقتصادی به عهده مرد است، ارث پدر به دختر نصف پسر داده شود. و اگر مسئولیت اقتصادی بین پسر و دختر تقسیم شده است

باید ارث مساوی بین آنها تقسیم شود. شحرور تأکید می‌کند که: این تفاوتها داخل در حدود الهی است نه خارج از آن. (شحرور، ۲۰۰۰م، فقه المراءه، ص ۲۲۱)

روابط میان زن و مرد

محمد شحرور با روش جدیدی که برگزیده است به مطالعه و تفسیر لغوی و علمی نصوص می‌پردازد. وی در بررسی آیات «حدود» که مربوط به رابطه زن و مرد می‌باشد نیز به آیات مربوط به چند همسر گزینی مردان اشاره کرده و می‌گوید: حدود خدا از لحاظ کمی، یک زن به عنوان حد پایین و چهار زن به عنوان حد بالاست؛ در حالی که از لحاظ کیفی لازم است که زن دوم، سوم و چهارم از بیوه‌گان باشند که سرپرستی فرزندان در این ازدواج شرط شده باشد. بنابراین موضوع آیه یتیمان و مادرشان است. و انتخاب همسران دوم و سوم و چهارم، صرفاً ناظر به یتیمان و مادرشان بوده و نه یک نگاه تنوع طلبانه.

شحرور در بررسی روابط میان زن و مرد؛ همچنین میان رابطه عاطفی و اقتصادی - اجتماعی زن و مرد تفاوت می‌گذارد و می‌گوید: رابطه عاطفی در اسلام همان رابطه «عشق» است. در این رابطه آن چه که باید مورد توجه قرار گیرد آن است که زن کالایی برای مرد نیست، همان گونه که مرد کالایی برای زن نمی‌باشد. وی درباره رابطه اقتصادی - اجتماعی می‌گوید که آیه ۳۴ سوره نساء ما را با این نوع رابطه آشنا می‌کند و بیان می‌دارد که مردان سرپرست زنان می‌باشند و علت سرپرستی مرد بر زن برتری جسمی، مالی و اقتصادی اوست. اما در زمان حاضر، برتری مرد تنها شامل توان فیزیکی نیست، زیرا توان عقلی نقش مهم‌تری از توان جسمی بازی می‌کند. از این رو موضوع برتری جسمی مرد بر زن در واقع سرپرستی به طور عام است. وی در ادامه می‌گوید از آنجا که در نص آیه بیان شده است بدان دلیل که خداوند برخی را بر برخی دیگر برتری داده است. این امر بدان معنی است که سرپرستی قابلیت آن را دارد که عکس شود، یعنی زن سرپرست شویش گردد. به باور شحرور، ممکن است که زن توانایی عقلی بیشتری نسبت به مرد حاصل کرده باشد. در این صورت نمی‌توان مرد را سرپرست زن دانست. به اعتقاد وی، ملاکی که در آیات قرآنی ذکر شده، ناظر به برتری جسمی بوده در حالی که این ملاک می‌تواند متحوّل شود و سرپرستی نیز به نحو عکس تبدیل شود.

شحرور بستن پیمان ازدواج را به شکل برابری میان زن و مرد ممکن می‌داند. وی در این خصوص می‌گوید: ممکن است اختیار ازدواج به دست زن یا مرد باشد. او همچنین زن و مرد مسلمان را به شکل برابری دارای حق طلاق می‌داند. وی طلاق شفاهی را نیز باطل می‌داند.

شحرور درباره اشتغال زن در اسلام نیز بر این باور است که اسلام زن را به لحاظ شرعی از هیچ یک از عرصه‌های زندگی و تولید باز نداشته است؛ بلکه این تنها شرایط تاریخی است که عرصه فعالیت زن را مشخص می‌کند. بر این اساس بر ما مسلمانان لازم است که به فعالیت زن از خلال روند تاریخی بنگریم و نه از طریق مقایسه جوامع معاصر با جامعه صدر اسلام. به اعتقاد شحرور، در شریعت اسلامی، مانعی برای اشتغال زن وجود ندارد اما شرایط تاریخی در برخی موارد، زن را از فعالیتهای اجتماعی و اشتغال منع کرده است. وی معتقد است که خداوند زن را تنها از جنگ و بی بند و باری باز داشته است. نگاه تاریخی به مسأله اشتغال زن از آن روست که برخی از مشاغل مناسب زنانگی او نیست یا این که توان انجام دادن آن را ندارد. شحرور می‌گوید در این حالت زن می‌باید از خلال نهادهای اجتماع معین کند که مشاغل موجود کنونی که او توان انجام آنها را ندارد، کدامند؟ همچنین زنان باید مشخص کنند که کدام یک از مشاغل، سزاوار شأن آنها نیست. در تشخیص این ملاکها، زنان باید اعمال نظر کنند و نه مردان. (دلیر، ۱۳۹۹، ش، دین آن لاین)

حجاب

شحرور با توجه به برداشتی که از قرآن ارائه می‌کند، حجاب را یک حق اجتماعی نمی‌داند. وی بر این باور است که حجاب و مسائلی از این قبیل که به طرز پوشش می‌پردازند، همگی اموری شخصی هستند و طرح آن به عنوان فعالیتی در عرصه اجتماع، چندان مقبول نیست. او در ضمن بررسی مفهوم واژگان حجاب، پس از ریشه یابی واژه «جیوب» می‌گوید: جیوب در زن، عبارت است از دو سینه و زیر دو سینه، زیر بغل، شرمگاه. بنابراین زن تنها همین نوع از جیوب را باید بپوشاند. وی با استناد به آیه «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» (نور - ۳۱) می‌گوید: «زن دو گونه زینت دارد، زینت ظاهری و زینت باطنی». آنچه خداوند در خلقت زن آشکار ساخت، زینت ظاهری است. مانند سر، شکم، پشت، دست‌ها و پاها و پوشانیدن آنها واجب نیست و آنچه خداوند، در ساختار خلقت زن محقق نموده است زینت باطنی است شحرور با مبنا قرار دادن این ایده، بر این باور است که پوشاندن سر و گردن و جوب فقهی ندارد. به باور او، حدادنی در حجاب زن، پوشانیدن جیوب پنهان است. بر این اساس، از نگاه شحرور فقط پوشانیدن قسمتی از «جیوب» که مربوط به باطن ساختار وجود زن است واجب می‌باشد. شحرور سپس در معنای جیوب می‌گوید: این مقدار از پوشش هم، حکم شخصی و در عین حال تربیتی است. همچنین این حکم در جهت بازدارندگی او از رفتار منافی عفت، صادر شده است. حکم حجاب،

حکمی نیست که قابل پیگیری قانونی باشد و تصویری خشن را ارائه کند. (شحرور، ۱۹۹۰م، ص ۶۰۲-۶۱۴)

قوامیت

شحرور در ذیل آیه «الرجال قوامون علی النساء» (۳۴/ نساء) می نویسد:

هر کس در کتاب خدا تدبیر کند متوجه می شود که خداوند متعال بین زن و مرد فرقی نمی گذارد، برابری آن ها در بیش از یک آیه و در بیش از یک زمینه روشن و واضح است. پیوند مردان مؤمن با زنان مؤمن و مردان مسلمان با زنان مسلمان (۳۵/ احزاب) در قرآن کریم در بیش از یک جا مؤید این برابری است. در واقع، علمای زبان عربی می گویند که کلام الهی خطاب به مؤمنان، با وجود ذکر غالب، شامل مردان و زنان می شود. این حقارتی که سنت و حدیث برای زنان به عنوان زن تحمیل کرده است، از جمله اینکه می گویند آنان از نظر عقلی ناقص هستند و در دینشان نقصان دارد، چیزی جز یک دیدگاه تحریف شده نیست که توسط جامعه مردانه حاکم تحمیل شده است. طبیعی است که این دیدگاه تحریف شده بر تعدادی از موضوعات و آیات وحی تأثیر بگذارد، بنابراین فهم و تفسیر آنها مشمول این بینش غالب مردانه می شد. مسئله ارث و ولایت (قوامیت) مهمترین آنها است. (شحرور، ۲۰۰۰م، فقه المراءه، ص ۳۱۵)

دکتر احمد صبحی منصور

دکتر شیخ احمد صبحی منصور در منطقه الشرقیه مصر و در سال ۱۹۴۹ بدنیآ آمد. در سال ۱۹۶۹ م به دانشگاه الازهر وارد شد. او در سال ۱۹۷۳ م لیسانس، در سال ۱۹۷۵ م فوق لیسانس و در سال ۱۹۸۰ م دکترای خود را دریافت کرد. از سال ۱۹۷۳ م تا ۱۹۸۷ م به ترتیب استادیار و دانشیار دانشکده ادبیات عرب مشغول به تدریس بود. در سال ۱۹۹۴ میلادی به عضویت انجمن حقوق بشر مصر در آمد و این عضویت تا سال ۱۹۹۶ ادامه یافت. در سال ۱۹۸۷ م به خاطر افکار و عقایدش توسط الازهر محکوم و در ۱۹۸۸ م به زندان روانه شد. در سال ۱۹۹۱-۲ م با همکاری فرج فوده حزب «المستقبل» را بنیان نهاد. وی از سال ۱۹۹۶ م کنرانس های هفتگی را در مرکز جهانی ابن خلدون - به ریاست سعدالدین ابراهیم - برگزار می کرد و در این کنفرانس ها پیرامون دگم های اسلامی و ریشه های عقیدتی ترور و خشونت گفتگو می کرد تا اینکه در سال ۲۰۰۰ م این مرکز تعطیل و رئیس آن توسط حکومت مصر بازداشت شد. احمد صبحی منصور پس از آن فعالیت های خود را به همراه پسرش به خارج از مصر و در مرکز جهانی قرآن در ویرجینیای شمالی (که خود تاسیس کرده بود) منتقل کرد.

در این مرکز مقالات و کتابهایش را بدو زبان انگلیسی و عربی منتشر می کرد. از زمان حضورش در آمریکا (۲۰۰۲م) همواره به تدریس و تحقیق در مراکز علمی مشغول بوده از جمله در سال ۲۰۰۳م از سوی برنامه مطالعاتی حقوق بشر دانشکده حقوق دانشگاه هاروارد به همکاری دعوت شد و تا کنون به عنوان استاد مدعو دانشگاه هاروارد مشغول به تدریس است.

او در کنار پروفیسور دانیل هیل استاد کالج بوستون، از بنیانگذاران مرکز جهانی صلح و تسامح به شمار می آید. منصور پدر معنوی اهل القرآن محسوب می شود. گروه اهل القرآن صبحی منصور استفاده از تفاسیر، کتابهای لغت، اسباب النزول و تاریخ را در فهم قرآن جایز نمی دانند. کتاب وی با نام «القرآن الکریم و کفی مصدرا للتشريع الاسلامی» انعکاس دهنده آراء وی در مورد قرآن بسندگی است. (هاشمی علی آبادی، و داور پناه، ۱۳۹۸ش، آئینه معرفت، شماره ۶۱، ص ۱۰۹)

اهم مبانی فکری صبحی منصور:

۱. قرآن به عنوان تنها مصدر تشريع اسلام، به شکل فرا زمانی و فرامکانی کامل و جامع است و هیچ نیازی به حدیث ندارد چرا که پیام خدا (ص) فقط وظیفه تبلیغ را بر عهده داشت (هاشمی علی آبادی به نقل از صبحی منصور، ۲۰۰۵م، القرآن الکریم و کفی مصدرا للتشريع الاسلامی ص ۳۲، ۶۸ و ۵۷).
۲. واژه نبی، به شخص پیامبر (ص) در زندگی و شئون انسانی او بر می گردد و شخص نبی مطاع نیست بلکه اطاعت صرفا به بعد رسالت یا رسول باز می گردد. (همان، ص ۴۳-۴۱)
۳. مستندات روایی بسیاری از احکام فقهی متناقض و خلاف قرآن است و این احادیث توسط ائمه حدیث در عصر سرنوشت ساز عباسی پرداخته شده اند. (همان، ص ۱۵۹، ۱۴۳، ۱۴۵)
۴. اقوال پیامبر (ص) خارج از قرآن و مواردی که راویان پس از رحلت پیامبر (ص) نگاشته اند تاریخ است و اعتبار دینی ندارد (همان، ص ۵۶)
۵. صبحی منصور نیز قرآن را کتاب مبین بذاته میدانند و ادعا میکند برای تبیین آن جز قرائت و تلاوت و تفکر و تدبر در آیات به چیز دیگری نیاز نیست (صبحی منصور، ۲۴۴۲، ص ۲۳) و بهترین شیوه تفسیر کتاب خدا، تفسیر قرآن به قرآن است (همان، ص ۲۲).

۶. گستره عصمت پیامبر (ص) محدود به ابلاغ رسالت است: از جمله مبانی قابل توجه در اندیشه منصور که از پیش زمینه های محوری برای ردّ سنت پیامبر خدا (ص) است، باور این معناست که در امر دین تنها رسالت الهی که درباره شخصیت پیامبر خدا (ص) الزم است، انجام رسالت در محدوده وحی و ابلاغ آن است نه تبیین و تفسیر! (هاشمی علی آبادی، و داور پناه، ۱۳۹۸ ش، آئینه معرفت، شماره ۶۱، ص ۱۱۸)

۷. تبلیغ، تنها شأن قرآنی پیامبر خدا (ص) است. یکی از مبانی قابل توجه صبحی منصور در تحدید شئون شخصیتی پیامبر خدا (ص)، عبارت است از اینکه پیامبر خدا (ص) تنها نقش تبلیغ قرآن را بر عهده دارد و این تمام مأموریت ایشان است. تبلیغ به معنی رساندن قرآن بدست مردم است و این رساندن به مردم، ایشان را از اینکه بدانند چه چیزی اعم از تبشیر و انذار و هدایت و نور در قرآن است بی نیاز می کند. یعنی اینکه پیامبر خدا (ص) فقط تبلیغ قرآن را انجام دهد آنگاه خود مردم خواهند فهمید که قرآن چه می گوید. (هاشمی علی آبادی، و داور پناه، ۱۳۹۸ ش، آئینه معرفت، شماره ۶۱، ص ۱۲۲)

آراء صبحی منصور در رابطه با زن بشرح زیر است :

۱- حجاب و حکم آن

اولا: حدیث و سنت اعتبار ندارد و برای دریافت معنای واژه ها فقط باید به قرآن مراجعه کرد.

ثانیا: مهمترین قاعده در تشریح اصل حلیت و نهی استثناء است.

او با دو تذکر بالا می گوید در قرآن دو واژه جلباب و حجاب وجود دارد اما واژه نقاب اختراعی است و در قرآن نیامده است. آیات حجاب در سوره های نور و احزاب و اعراف آمده است.

وی می گوید مقصود خداوند از امر به پوشش، حجاب و چیزهای دیگر از قبیل دوری جستن از منکرات است. اما چون فقه اهل سنت و شیعه بر موضوع تمرکز دارند نه هدف و قاعده لذا حکم را بر روی موضوع برده و حجاب را واجب می دانند و از همین رهگذر است که حجاب به نقاب تبدیل می شود و در زیر نقاب انحطاط گسترش یافته که با تقوا معارض است. این چنین دینی سطحی و مبتنی بر حرفه گرایی و زیبا کاری است. از همین رو نقاب حرام و خلاف قانون خداوند و ضایع کردن آن است.

حجاب بکار رفته در قرآن به معنای پرده و جلباب به معنای پوشاندن سینه است لذا کشف موی

سری زن حرام نیست. (سایت اهل القرآن - پاسخ به سوال ما هو الحجاب و حکمه)

۲- المساواة والعدل معا أساس تشريعات المرأة في القرآن : در توضیح این معنا صبحی

منصور می نویسد: در کنوانسیون های بین المللی اصل برابری و مساوات حقوق زنان است. مطالعه اجمالی حقوق زنان در کنوانسیون های بین المللی حاکی از اصرار ایشان بر برابری آنان با مردان در احوال شخصیه، حقوق مدنی، سیاسی و اقتصادی است و اینکه هرگونه انحراف از این برابری تبعیض علیه زنان و بی عدالتی در حق زنان محسوب می شود. این مساوات و برابری محصول طبیعی فرهنگی غرب در دنیای مدرن است. این برابری چنان اهمیت دارد که حتی اگر به بی عدالتی بیانجامد نیز مطلوب است. درست است که تمرکز بر خانواده و بی توجهی به فرد منجر به استبداد و فرهنگ مردسالارانه می شود که در جوامع شرقی به ویژه پس از حمایت متون دروغین دینی حاکم (حدیث) بوده و هست، اما در همه موارد، ارزش برتر به خودی خود برابری نیست، نه خانواده یا فرد، بلکه عدل یا قسط است. از اهمیت مساوات و برابری در غرب همین بس که اگر قرار باشد ۱۰۰۰ پوند را بین ۵۰ نفر در یک کلاس تقسیم کنیم تا به هر نفر ۲۰ پوند بیافتد، بی عدالتی قطعی است چرا که برخی ثروتمند هستند و نیاز به این ۲۰ پوند ندارند اما با این حال بر اساس برابری به آنها داده می شود. بنابر این برای رسیدن به این برابری باید عدالت هم ذبح شود تا مساوات برقرار باشد. اما آنچه در قرآن کریم آمده است این است که باید بین عدالت و مساوات نسبتی برقرار باشد.

بر اساس آیات ۲۳ بقره^۱، ۲۰ نساء^۲، ۲۱ روم^۳ و برخی آیات دیگر که مشتمل بر کلمه زوج هستند، باید گفت که کلمه زوج هم بر مرد و هم بر زن دلالت دارد یعنی هم به مرد زوج گویند و هم به زن زوج گویند و این خود نشان از این است که بین زن و مرد حقوق مساوی تعیین شده است و این معنا از کنوانسیونهای حقوق زنان پیشروتر است اما با این حال قرآن کریم عدالت را فراموش نکرده است و هر جا که مساوات بین زن و مرد منجر به ظلم یکی از ایشان شود را بر می تابد لذا در رابطه حقوق بین زن و مرد بگونه ای عمل کرده است که این مساوات به ظلم و بی عدالتی نیانجامد. آیات ۱۸۰، ۲۲۹ و ۲۳۲ بقره، ۱۱، ۱۴، ۱۹ و ۲۴ نساء همگی نمونه هایی از حقوق زنان و مردان است که جایگاه زنان را در قرآن مشخص می کند. (سایت اهل القرآن - پاسخ به سوال ما هو الحجاب و حکمه)

۱. فإن طلقها فلا تحل له من بعد حتى تنكح زوجا غيره

۲. وإن أردتم استبدال زوج مكان زوج وآتیتم إحداهن قسطا فلا تأخذوا منه شيئا

۳. ومن آیاته أن خلق لكم من أنفسكم أزواجا

احمد صبحی منصور با استناد به آیه ۲۵ سوره نساء^۱ و ۳۰ سوره احزاب^۲ از ناسازگاری سنگسار با آیات قرآن سخن می‌گوید. در نگاه صبحی منصور دو برابر بودن حد زنا در آیه شریفه، با کیفی سازگار است که در خور دو برابر بودن باشد در صورتی که سنگسار حدی نیست که بتوان حکم به تنصیف یا دو برابر شدن آن کرد. پس نمی‌توان حکم به نیمی از حد سنگسار در مورد غیر محصن داد و حکم به دو چندان سنگسار در مورد همسر پیامبر (ص) نمود اما اگر حد زانی صد تازیانه باشد این حد در خور کاهش و افزایش است و می‌توان غیر محصن را پنجاه تازیانه و محصن را صد تازیانه باشد این حد در خور نِسَاء النَّبِيِّ...» همسر پیامبر (ص) را دویست تازیانه و غیر محصن را پنجاه تازیانه زد. (عقوبه الرجم تتناقض مع تشریح القرآن و الاسلام، رك به سایت اهل القرآن)

سامر اسلامبولی

سامر محمد نزار اسلامبولی متولد ۱۹۶۳ میلادی در دمشق و عضو اتحادیه نویسندگان عرب در سوریه است. تخصص وی پژوهش در حوزه های اسلامی است. مقالات متعددی در مجلات العالم، شباب لک، الاسلام، روزنامه های الوقت بحرین، المثقف، هفتگی ادبی و برخی دیگر از روزنامه ها و نشریات دوره ای است.

کتاب های او بترتیب سال چاپ بشرح زیر است:

۱. علم الله وحریه الإنسان. دمشق: دار الأهلای، ۱۹۹۴ م.
۲. دراسات أصولیه (الآحاد، الإجماع، التسخ). دمشق دارالحکمه ۱۹۹۵ م. ط. ۲، دارالأوائل، ۲۰۰۲ م.
۳. الأوهیه والحاکمیه، دمشق: دارالأوائل، ۱۹۹۸ م.
۴. تحریرالعقل من التقل قراءه نقديه لمجموعه من أحاديث البخاري ومسلم، دمشق: دارالأوائل، ۱۹۹۸ م.
۵. المرأه (مفاهیم ینبغی أن تصحح)، دمشق: دارالأوائل، ۱۹۹۸ م.

۱. فاذا احصن فان اتين بفاحشه فعليهن نصف ما على المحصنات من العذاب

۲. يا نساء النبي من يات منكن بفاحشه مبينه يضاعف لها العذاب ضعفين

۶. ظاهره النص القرآنی تاریخ و معاصره (رد علی کتاب: النص القرآنی أمام إشکالیه البنیه والقراءه) دمشق دار الأوائل، ۲۰۰۲ م.
۷. القرآن بین اللغه والواقع (تقدیم الأستاذ د. سمیر ابراهیم حسن. عمید کلیه الآداب والعُلوم الإنسانیه فی دمشق، والأستاذ د. محمد الحبش مدیر مرکز الدراسات الإسلامی فی دمشق) دمشق دار الأوائل، ۲۰۰۵ م.
۸. القرآن من الهجر إلى التفعیل، دمشق: دار الأوائل، ۲۰۰۸ م.
۹. دراسه إنسانیه فی الرّوح والنّفس والتّفکیر (تقدیم الأستاذین: جودت سعید، وندرہ الیازجی)
۱۰. مفهوم السن غیر الحدیث.
۱۱. علمیه اللسان العربی وعالمیته (تقدیم د. مازن الوعر)
۱۲. میلاد امرأه (قصه نفسیه واجتماعیه)
۱۳. فتاوی أزهريه وأفکار فلسفیه (قصص فکاهیة)
۱۴. مفاهیم فلسفیه (الله، الحریه، الشیء العدم، الموت، الأحدیة، الثالث، التقمص)
۱۵. حوارات ثقافیة ۱
۱۶. حوارات ثقافیة ۲
۱۷. اليهودیه انغلاق فکری وإرهاب اجتماعی
۱۸. نبی الإسلام غیر نبی المسلمین
۱۹. مسوده مشروع ثقافی راشدی

در ضمن ایشان نوشته های کوتاه و بلندی در بیان نظرات خویش درباره احکام، اعتقادات، اخلاق، لغت، و تفسیر دارند که در سایت اهل القرآن و سایت خویش^۱ منتشر شده است. برخی از این عناوین که مرتبط با حوزه زنان است بشرح زیر است:

۱. غطاء راس المرءه او شعرها حکم ذکوری و لیس قرنیا

۲. اباحه المصافحه بین الرجال و النساء

۳. اباحه اللقاح دون نکاح

۴. اباحه عملیات التجمیل للنساء والرجال

۵. اباحه لمس المصحف او تلاوته للمرءه الحائض او الجنب

۶. اباحه نکاح بنت الزوجه اذا لم تکم ریبه فی حجر الزوج

۷. اثبات التفريق بين الزوجين بواسطة تحليل النووی للود

۸. الرجم الزانی حکم توراتی تسلل الی القرآن

۹. تحریم نکاح خاله الزوجه او عمته

۱۰. جواز تسلیم المرءه الولایه الکبری

۱۱. حکم سماع غناء المرءه

۱۲. حکم ظهور راس المرءه و شعرها

۱۳. عدّه المرءه وقت و لیست نیه

۱۴. وجوب الصیام علی الحائض و النفساء

۱. سامراسلامبولی در معرفی سایت خود می نویسد: «موقع بهتم بتدبر القرآن وفق منهج قرآنی منطقی حنیف انسانی مقاصدی اجتماعی وفق قواعد اللسان العربی المبین، ویهدف إلى نشر الوعي والتنوير والتفكير الحر للوصول إلى التعايش والتماسک والنهضة من خلال شعار العلم والأخلاق أساس للنهضة والعمران» یعنی: ای سایت، سایتی با تدبر در قرآن با رویکرد منطقی، درست، انسانی، هدفمند و اجتماعی قرآنی بر اساس قواعد زبان صریح عربی با هدف گسترش آگاهی، روشننگری و آزاداندیشی برای رسیدن به همزیستی انسجام و رنسانس از طریق شعار علم و اخلاق به عنوان مبنایی برای رنسانس و سازندگی است.

۱۵. ملک الیمین و النکاح

۱۶. مفهوم الخلوه بالمراهه

۱۷. مفهوم الرجال و النساء فی القرآن

۱۸. یحرم علی المراهه تعدد النکاح

۱۹. ولن تعدلوا بین النساء ولو حرصتم

۲۰. وجوب موافقه المراهه فی عقد نکاحها

۲۱. وجوب صلاه الجمعه علی الرجال و النساء

از مجموع مباحث اسلامبولی درباره زن و مرد مبانی و اصولی استخراج می شود:

۱. ان الاصل فی الخطاب القرآنی هو خطاب انسانی موجه الی الذکور و الاناث من الناس

علی خد سواء الا اذا اتت القرینه تحدد الخطاب بالرجال دون الفرق او بالعکس.

۲. التوجه باللغه العربیه و الفروق اللغات اذ لا ترادف فی اللغات و القرآن

۳. اذا اختلف المبانی اختلف المعانی

۴. اصل در اشیاء اباحه است تا زمانی که نص و استنباط بر حرمت و نهی داشته باشد.

۵. وقتی قرآن در باره چیزی ساکت است، آن امر مباح است و باید دید جامعه چه معامله ،

حکم یا قانونی برای آن دارد.

۶. حدیث منبع شرعی محسوب نمی شود.

وی بر اساس این مبانی و اصول می گوید:

میراث فرهنگی که عقل عربی بر اساس آن حکم صادر می کند همان حدیثی است که مصدر

تشریح الهی بوده و نسبت به قرآن صدارت و اولویت دارد.

این چنین حدیثی بر قرآن حاکم بوده؛ و به آن اضافه گردیده؛ و معادل آن محسوب شده؛ و حتی

بر اساس برخی اقوال قرآن را نسخ می کند.

این تعامل مشرکانه با حدیث فقه مردانه تولید کرده است. از چنین فقهی دوگانه های تصویب و تخطئه، کفر و ایمان، هدایت و ضلالت و مرد وزن ایجاد شده است.

از همین روست که حدیث موجب تفرقه شده است القرآن یجمعنا و جعل الحدیث النبوی مصدر تشریعی یفرقنا.

بنابر این «واجبات» آن چیزهایی هستند که خداوند آنها را واجب کرده است و حرام آن چیزهایی است که خداوند آنها را با نص یا استنباط از قرآن کریم بیان کرده است. اما درباره اموری که قرآن نسبت به آنها ساکت است بر اساس اصل قرآن (ان الاصل فی الاشیاء الاباحه الاالنص) مباح است. و درباره امور مسکوت عنه می نویسد: و یترک تنظیم ممارسته حسب ما یراه المجتمع مصلحه له فالقرآن یجمعنا و جعل الحدیث النبوی مصدر تشریعی یفرقنا.

پس بیان این مقدمات مطالبی را درباره زنان بیان می کند:

۱. بر زنان است که خود را از عبودیت مردان برهانند (ان تتحرر من عبودیتها للذکور)

۲. اولوهیت مردان را انکار کنند (و ترفض الوهیتهم للنساء)

۳. وصایت ایشان را رد کنند (و وصایتهم علیهن)

۴. اتهام به نقصان و قصور را نپذیرند (متهمین بالنقصان والقصور)

اسلامبولی خطابات قرآن مثل یا ایهاالنبی قل لازواجکم... (اجزاب/ ۵۹) را به خطاب رسالی و خطاب نبوی تفکیک کرده است. مقصود از خطاب رسالی خطابی است که متوجه مقام رسالت پیامبر اکرم است و خطاب نبوی خطابی است که متوجه مقام نبوت ایشان است. علت این تفکیک در خطاب این است که وی بین نبی و رسول تفاوت قائل است چرا که هر نبی رسول است اما عکس آن صادق نیست و از همین جا است که بین مقام نبوت و مقام رسالت تمایز قائل شده است. مقام رسالت مقام تکلیف و تلاوت و تبلیغ رسالت الهی است اما مقام نبوت مقام علم و معرفت است.

او در کتاب غطاء راس المرءه او شعرها حکم ذکوری و لیس قرآنی در اثبات این موضوع است که وجوب پوشاندن سر و موی زن حکمی مردانه است و حکم قرآنی نیست.

نیازی عزالدین

عزالدین نیازی در سه گانه انذار من السماء (النظریه)، دین السلطان (البرهان) و دین الرحمن (المدخل الی الحقیقه) آراء خویش درباره قرآن، دین رایج بین مسلمانان و دین حقیقی را بیان می دارد.

نیازی در کتاب انذار من السماء مقصود از این عنوان را قرآن کتاب آسمانی و وحیانی خداوند می داند که تکالیف مسلمانان در آن مشخص شده است. در کتاب دوم بیان می دارد که علماء، فقهاء و محدثین زمان خلفاء و پادشاهان جنود شیطان هستند بدین دلیل که به خلفاء کمک کردند تا شیطان (خلفاء) به خواسته های خود دست یابند و آن انحراف دین اسلام از محور اصلی خود است. ایشان به خلفاء کمک کردند تا خواسته هایشان مبنی بر محور قرار دادن سنت و حدیث به عنوان یک جریان ریشه دار تاریخی تبدیل گشته و قرآن کریم که تنها منبع وحیانی و معتبر برای تشریح است، مهجور گردد و لذا این دین دین سلطانی و دین خلفاء است تا دین خداوند رحمان.

خوانش وی از قرآن درباره زن و مرد، حقوق و تکالیف ایشان و نقش زن در مجتمع انسانی

بشرح زیر می باشد:

۱- نقش زن در دین سلطانی:

نیازی می نویسد که با پژوهش در احادیث کتاب صحیح بخاری و صحیح مسلم اینگونه یافتیم که اولاً اغلب احادیث موجود زن را شیی از اشیاء متعلق به مردان محسوب کرده اند و ثانیاً بر اساس منطق این احادیث زنان مخلوق انسانی تلقی نشده و دارای نفس انسانی مساوی با مردان نیستند اما در دین الرحمن که همان کتاب الله است این مطلب برعکس است. قرآن کریم کلمه نفس انسانی را در ۲۸۱ آیه بکار برده است و مخاطبانش زن و مرد بطور یکسان است.

مثلاً در کتاب الصلاه صحیح بخاری روایتی است که رسول خدا (ص) دائماً یا در منزل یا در مسجد نماز می خواند اما هیچ ذکر از نماز زنان پیامبر (ص) نمی شود گویا اصلاً ایشان هرگز مکلف به نماز نشده اند. ۱۰۹ باب از ابواب الصلاه صحیح بخاری اینگونه است در حالیکه در آیه ۴۳ سوره آل عمران خداوند حضرت مریم را مخاطب قرار داده است حال آنکه ایشان نفس انسانی و مونث است یا در آیاتی که با یا ایها الذین آمنوا آمده است بین زنان و مردان تفاوتی گذاشته نشده است.

نیازی ادامه می دهد که با بررسی این کتاب و دیگر مجامع حدیثی در می یابیم که دین سلطانی به هزاران زن در قصر های خود قانع نبوده و آنها را راضی نمی کنند و زنان نیز از ایشان راضی نمی شوند و حال آنکه در دین الرحمن مومنین مخاطب هستند بدون آنکه بین زنان و مردان فرق باشد. در ۶۷ آیه از آیات قرآن خداوند مومنین را بدون تمییز بین زن و مرد مخاطب قرار داده است (۱۵۳/بقره؛ ۱۰۳/بقره؛ ۶/مائده؛ ۱۱/توبه؛ ۳۱/ابراهیم؛ ۵۴ و ۵۵/مریم، ...)

۲- حقوق زن در دین رحمانی و دین سلطان:

نیازی مدعی است که همانطور که موسی از محرفات تورات و تلمود و عیسی از محرفات اناجیل و مکتوبات پولس اظهار برائت کرده اند، رسول خدا(ص) نیز از احادیث جعلی برائت جسته است. سوال این است که چرا عالمان یهود، نصارا و مسلمان به چنین اقداماتی دست زده اند؟

نیازی در پاسخ به این سوال می گوید از آنجا که ایشان جنود شیطان هستند، طمع تقرب به شیطان(خلفاء) و دستیابی به شهوات این دنیا تنها انگیزه ایشان است. بدین وسیله کتاب خدا تعطیل و احادیث جعلی منسوب به پیامبر(ص) به عنوان دین مطرح شده و مسلمانان مشرک گردیدند. این مسئله تا بدانجا است که این جنود شیطان می گویند شما معانی آیات قرآن را نمی فهمید مگر اینکه ما آنها را برای شما شرح دهیم و حال آنکه قرآن کریم برای تمامی انسان ها نازل شده است و انسان ها قادرند مستقیماً، بی واسطه و بدون وکیل حتی بدون کمک گرفتن از انبیاء و رسولان الهی آن را فهمیده و درک کنند. آیات متعددی از قرآن کریم گویا مدعای فوق است (۱۰۷/انعام؛ ۱۲/هود؛ ۶۷/مائده)

بر این اساس خداوند انسان ها را از ناحیه بشریت شان مخاطب ساخته و مقصودش از توان فهم بی واسطه همه انسان ها بدون ملاحظه جنسیت است. البته پر واضح است که مقیاس تفاضل بین انسان ها جز تقوا نیست (۱۰۳/حجرات)

از مباحث بر می آید که خداوند حقوق و تکالیف را متوجه هر دو جنس کرده و تمایزی جز به تقوا بین ایشان قائل نیست (۳۹/قیامت؛ ۴۸/بقره؛ ۲۳۳/بقره؛ ۲۸۱/بقره؛ ۱۱۱/نحل؛ ۳۳/اسراء؛ ۳۵/انبیاء؛ ۳۴/لقمان؛ ۲۱/ق)

چرا که نفوس انسانی نزد خداوند مساوی اند مگر آنچه رادر دنیا و در طول زندگانی در دنیای زمینی اکتساب کرده باشند. تفاوت انسان ها در جنسیت مردانه و زنانه صرفاً بجهت نسل و تناسل که از قوانین خلقت است، می باشد (۱۹/عنکبوت؛ ۱۱ و ۲۷/روم)

خلاصه آنکه از دیدگاه نیازی، دین در نزد سلطان (خلفاء و جنود آن) مخصوص مردان و زنان نقشی جز متاع و بهره مندی مردان ندارند لذاست که بر اساس تورات مردان خدایان آسمانی و زنان مخلوق زمینی اند که هرگز راهی به آسمان برای آنها وجود ندارد در حالیکه در وحی اول (قرآن) مطلقاً تفاوتی بین زن و مرد نیست (۲۵/احزاب). مطالب ناروایی که از تفاوت های زن و مرد به پیامبر اکرم (ص) نسبت داده اند ظلم و بهتانی است که به ایشان روا داشته شده است (احادیث شماره: ۲۷۴۲-۱۴۰۳-۳۴۵-۲۶۷-۱۴۲۹-۱۴۳۶-۲۸۶۶-۱۴۹۹-۲۴۹۲)

۳- نیازی تفاوت بین زنان و مردان را تفاوت های طبیعی می داند.

۴- حقوق زنان در ازدواج:

زوجیت در قرآن کریم بر اساس برابری حقوق زن و مرد است از طرف دیگر قوام زوجیت نیز مبتنی بر رضایت طرفین می باشد چرا که رابطه زوجیت رابطه خاص بین طرفینی است از همین جهت است که قرآن کریم رضایت را شرط زوجیت معرفی می کند.

خداوند همانگونه که محرمات زنان را بر مردان حرام کرده است عکس آن نیز صادق است تا آنکه انسان این رابطه زوجیت را بر اساس جبر و ترحم بیکدیگر ننگرد.

آیه ۲۴ سوره نساء تنها مردان را مخاطب ساخته است چرا که بعد از آیه است که محرمات را را هم برای مردان و هم برای زنان بیان کرده است.

نیازی ازدواج اسلامی را چنین توصیف می کند:

ازدواج اسلامی ازدواجی است که بر اساس رضایت طرفین باشد. تعیین مهریه بر حسب عرف مردم و شرایط مرد مشخص می گردد. شرط ازدواج جایز و مباح اشهار و اعلان زوجیت در بین مردم است. عقد و ازدواج پنهانی حرام می باشد چرا که بر حقوق همسر و فرزندان در آینده تاثیر خواهد گذاشت.

روایاتی در صحیحین وجود دارد که راه ها و روش های دیگری برای زوجیت غیر از آنچه گذشت را که در اثر دسیسه های جنود شیطان جهت حظ و بهره برداری شهوانی و دنیوی پیشنهاد می دهند.

ابن قرناس^۱

ابن قرناس عربستانی در ضمن ۱۴ صفحه از کتاب خود به مناقشه با روایاتی می پردازد که زنان را شوم، فتنه ضاره، عوجاء تا تستقیم، مقطعه الصلاه، ناقصه العقل و الدین، اعطاء الزوج حق جلد المراءه، ملعونه الملائکه ان لم تمکن الرجل من نفسها، و عامه اهل النار من النساء، عدم قبول عبادتها بدون اذن زوجها (ابن قرناس، ۲۰۰۸م، ص ۳۶۴-۳۷۸)

وی در تک تک این روایت مناقشه کرده و با استناد به آیات قرآن کریم آنها را باطل ارزیابی کرده و در نهایت بی اعتباری سنت و حدیث رای می دهد. غالب استدلال ایشان به آیاتی است که زنان را چون مردان مخاطب یکسان خداوند دانسته است و نفس انسانی زن و مرد را متمایز نکرده است.

او با استناد به آیه ۱ سوره نساء نتایجی را حاصل می کند که عبارتند از:

۱. خداوند زن و مرد را از یک نفس آفریده است.
۲. اختلاف جنسیت دلیل بر تفاوت انسانیت نیست.
۳. مرد خود مولود زن و مرد دیگری است بنابراین این مرد نیمی زن و نیمی مرد است در حقیقت هر مرد نصف زن است و برعکس.
۴. تعدد زوجات بشرط رضایت همسر اول و رعایت عدالت است. در غیر این صورت ظلم به همسر اول است و اگر این دو شرط رعایت نگردد عقد باطل است.
۵. همچنین با استناد به آیه ۲۰ و ۲۱ سوره نساء می گوید:
۶. وضع طبیعی در ازدواج، زوج و زوجه واحد است و در آیه سخن از استبدال زوج از زوج دیگر است نه ازدواج دیگر.

۱. هیچ منبع قابل اعتماد مکتوبی در بدست دادن تصویر روشنی از این محقق در دست نیست. بدین جهت، به نقل مطالبی از صفحه شخصی اینترنتی او می پردازیم. ابن قرناس در خانواده ای متدین و معروف در عربستان سعودی پرورش یافت. تحصیلات دانشگاهی خود را در دانشگاه اسلامی امام محمد بن سعود در ریاض به پایان رساند. او پژوهش را با هدف تحصیل معرفت خود آغاز کرد و اندیشه تألیف کتاب، پس از ۵۰ سالگی و تنها جهت نشر حقایق قرآنی بر خاطرش گذشت، بی آنکه میل شهرت طلبی و مرید پروری در وجودش نهفته باشد؛ از اینرو، نام «ابن قرناس» را بجای نام اصلی خود برگزید. نخستین تلاش ابن قرناس در این راه، تأسیس انجمن «طریق الهدی» بود که تا سال ۲۰۰۴م برخی یافته های خود را در آن منتشر می کرد. پس از آن، در سال ۲۰۰۵م با «خالد المعالی»، صاحب انتشارات الجمل آشنا شد و نخستین کتاب خود، «سنه الاولین» را به چاپ رساند.

۷. از آیه ۷ سوره نساء برداشت می کند که:
۸. زنان نیز مانند مردان (برخلاف عصر جاهلیت) ارث می برند. ارث از حدود الهی است و تجاوز از حدود الهی و عمل نکردن به آن مستوجب عذاب است.
۹. بر اساس آیه ۳۴ همان سوره معتقد است که:
۱۰. مردان دارای صفتی هستند بنام قوامیت. قوامیت خود متشکل از ویژگی جسمانیت و رجولیت است که مرد را دارای صفت قوامیت و در نتیجه مقام قیادت می سازد. (ابن قرناس، جلد ۲، ۲۰۱۵م، ص ۶۳۰)

نتیجه گیری :

جریان نواندیش و تجدید نظر طلب قرآن بسندگان و در شکل افراطی اش یعنی قرآنیون / اهل القرآن که تنها منبع معرفت بخش معتبر را در قرآن خلاصه کرده اند، وقتی به حوزه زنان در قرآن وارد می شوند بر اساس مبانی خود برداشت های خاصی دارند بگونه ای که با جریان رایج در تقابل قرار می گیرد و مباحث حوزه فمینیسم را تداعی می کنند. از آنجا که خطابات قرآنی تفاوتی بین زن و مرد قائل نیست و هر دوی ایشان را شامل می شود بنابر این احکام شرعی نسبت به مردان و زنان مساوی می باشد بنابر این زنان جنس دوم محسوب نشده بلکه همچون مردان می توانند در اجتماع ظاهر گشته و تمام کارکردهای او را بعهده بگیرند مگر اموری که از تفاوت در جنسیت آنها ناشی می شود. بر اساس قرآن کریم حقوق زن و مرد برابر است بنابر این هرآنچه بر زنان حرام است بر مردان نیز حرام و هرآنچه برای مردان مباح است برای زنان نیز مباح است.

منابع:

- قرآن کریم
- ۱. آقایی، سید علی، ۱۳۸۹ش «قرآن بسندگی و انکار حجیت حدیث: بررسی خاستگاه و اندیشه های اهل قرآن/ قرآنیون»، مجله معرفت کلامی، سال اول، پاییز، شماره ۳.
- ۲. ابن قرناس، (۲۰۰۸ م)، الحدیث و القرآن. بغداد: الجمل.
- ۳. ابن قرناس، (۲۰۱۵م)، الشرعه والمنهاج، جلد۲. بغداد: الجمل.
- ۴. الهی بخش، خادم حسین، ۱۴۲۱ق، القرآنیون و شبهاتهم حول السنه، طائف: مکتبه الصدیق.
- ۵. اخوان مقدم، زهره، ۱۳۹۶ش، «قرآنیون و منبع شناسی»، فصلنامه سفینه، شماره ۵۷، ویژه قرآن بسندگی، زمستان.
- ۶. بابایی، علی اکبر، ۱۳۹۱ش، «مکاتب تفسیری»، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ج۲.
- ۷. شحرور، محمد، ۱۹۹۰م/۱۴۱۰ق، کتاب و القرآن؛ قراءه معاصره. دمشق: الاهالی.
- ۸. شحرور، محمد، ۲۰۰۰م/۱۴۲۰ق، نحو اصول جدیده للفقہ الاسلامی؛ الفقہ المراءه، الطبعة الاولى. دمشق: الاهالی.
- ۹. شرابی، هشام، ۱۹۲۷م، «روشنفکران عرب و غرب»، مترجم: عالم، عبدالرحمن، ۱۳۶۸ش، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
- ۱۰. خاکپور، رحیم، ۱۳۹۶ش، «السنه قاضیه علی کتاب الله... در ترازوی نقد علمای اهل سنت» دوفصلنامه کتاب قیّم، سال هفتم، شماره هفدهم. پاییز و زمستان ۱۳۹۶ش. صص ۲۰۲-۲۲۰.
- ۱۱. دلیر، مهدی، ۱۳۹۹ش، نواندیشان عرب به دنبال احقاق حقوق زنان، دین آن لاین
- ۱۲. روشن ضمیر، محمدابراهیم، ۱۳۹۰ش، «جریان شناسی قرآن بسندگی»، تهران: انتشارات سخن.
- ۱۳. عزالدین، نیازی، ۱۹۹۷م، دین الرحمن النظریه، الطبعة الاولى. بیروت: بیسان.
- ۱۴. عزالدین، نیازی، ۱۹۹۸م، دین السلطان البرهان، الطبعة الاولى. بیروت: بیسان.
- ۱۵. ظفرالله رندهاو، خالد، ۱۳۸۶ش، «تالیفات حجیت سنت در شبه قاره»، مترجم سید زوار حسین نقوی، مجله تخصصی الهیات و حقوق، پائیز ۱۳۸۶ش.

۱۶. محمدی، زهرا؛ محمدی، محمد عیسی، پائیز و زمستان ۱۳۹۹ش، نقد و بررسی رویکرد انسان شناسی محمد شحرور در باب عدالت جنسیتی، مطالعات اندیشه معاصر مسلمین، ص ۳۱۹-۳۵۰
۱۷. مومنی، صمد، ۱۴۰۱ش، «نقد مبانی قرآنیون اهل سنت معاصر درباره نفی معجزاتُ النبی» دوفصلنامه مطالعات اندیشه معاصر مسلمین، دوره ۸، شماره ۱۵، بهار و تابستان ۱۴۰۱ش.
۱۸. هاشمی علی آبادی، سیداحمد؛ داورپناه، محمدمهدی، ۱۳۹۸ش، بررسی و نقد مبانی فکری قرآنیون در مورد قرآن بسندگی و نابسندگی سنت رسول اکرم صلی الله علیه وآله با تکیه بر آراء دکتر احمد صبحی منصور، آینه معرفت، سال نوزدهم، زمستان ۱۳۹۸ش، شماره ۶۱

19. <https://www.shahrour.org>

20. <https://www.samerislamboli.com>

21. <https://www.ahl-alquran.com>

22. <https://www.lib-books.com>

23. <https://www.dinonline.com>

24. <https://www.facebook.com>